

سوران منوچهری، نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دبیر آموزش و پرورش استان کردستان حسین فراهانی، استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زنجان

اهمیت آموزش و پرورش (آموزش توسعه‌ای)

تحقق توسعه پایدار

چکیده

دستیابی به پایداری، که هدف نهایی برنامه‌های توسعه است، پرچالش‌ترین موضوع عصر حاضر به‌شمار می‌رود و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توسعه راه‌حلی را جهت تحقق این امر به اجرا گذاشته‌اند. در این میان آموزش توسعه‌ای، به‌عنوان رویکردی اثربخش و راه‌حل جدید این چالش از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مسئول از جمله یونسکو، مطرح شده است. این نهاد پس از نامگذاری دهه اخیر به عنوان «دهه آموزش توسعه‌ای» جهت‌گیری برنامه‌های خود را در راستای تحقق توسعه پایدار بر آموزش و پرورش معطوف داشته و در پی آن است که با روی آوردن به آموزش و پرورش با کیفیت، مفهوم توسعه پایدار را در میان دانش‌آموزان به‌عنوان آینده‌سازان نهادینه کند و نیروی انسانی توانمند و با ظرفیتی را که عامل و هدف توسعه پایدار محسوب می‌شود تربیت نماید. در این راستا در پژوهش حاضر که از نوع بنیادی-کاربردی است؛ با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی در پی آن هستیم که پس از تبیین پارادایم توسعه پایدار، اهمیت آموزش و پرورش و نقش آن در آموزش توسعه‌ای را روشن نماییم.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، آموزش توسعه‌ای، آموزش و پرورش، ظرفیت‌سازی.

مقدمه

تعریف ارائه شده راه، یعنی «برآوردن نیازهای نسل امروز، بدون تخریب توانایی‌های نسل آینده برای برآوردن نیازهایشان» مورد توجه قرار دهیم، درمی‌یابیم که بر نقش انسان به‌عنوان عامل، وسیله و هدف توسعه تأکید شده است. بنابراین چنانچه به دنبال تحقق توسعه پایدار باشیم، که تضمین‌کننده رفاه با دوام جامعه انسانی است؛ می‌بایست نخست ظرفیت‌های انسانی جامعه را با افزایش آگاهی مردم ارتقا دهیم. به واقع تحقق توسعه پایدار در یک جامعه نیازمند وجود انسان‌هایی آگاه، خلاق، بینش‌مدار، همه‌جانبه‌نگر، آینده‌نگر، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو است که قدرمسلم تولید نیروی انسانی با چنین ویژگی‌هایی نیازمند آموزش‌های گسترده و برنامه‌ریزی شده است. در قرن حاضر، نقش آموزش اثربخش در تحقق توسعه پایدار به‌عنوان هدف نهایی برنامه‌های توسعه آنچنان مهم و پررنگ است که در اجلاس ریو (اجلاس سبز ۱۹۹۲) نیز که الگوواره پایداری

توسعه به معنی کلی تلاش برای بهبود زندگی همزاد تاریخ بشری است، اما توسعه به معنی امروزی آن، که بیشتر یک مفهوم مقایسه‌ای است؛ از مفاهیمی است که بیش از هر موضوع دیگری در نیم قرن اخیر مورد بحث محافل مختلف قرار گرفته است (جمعه‌پور، ۱۳۹۲، ۵۱). سیر تحول مفهوم توسعه نهایتاً به مفهوم «توسعه پایدار» ختم شده است. توسعه پایدار، پارادایمی است که از اواخر قرن بیستم راه‌هایی را فرا راه انسان‌ها باز کرده و از آن جهت که در آن محوریت با انسان و نقاط ضعف توسعه‌یافتگی است و محوریت را در بقای انسان، مجموعه حیات و تداوم آن در نسل‌های بعدی می‌بیند، پس از طرح و عرضه، سریعاً عالمگیر شده است و کشورها اعم از توسعه‌یافته و نیافتة موظف شدند که در پروژه‌های توسعه‌ای، جنبه‌های پایداری را با تمام دقت در نظر گیرند (از کیا، ۱۳۸۷، ۴۰).

هرچند تعاریف متعددی از توسعه پایدار ارائه شده اما اگر ساده‌ترین

نیروی انسانی با ظرفیت و توانمند عامل اصلی تحقق توسعه پایدار می‌باشد اهمیت این امر به حدی است که یک عزم جهانی برای تحقق توسعه پایدار از طریق آموزش و پرورش شکل گرفته است

توسعه آموزش توسعه پایدار در ایران» پس از تأکید بر نقش آموزش در تحقق توسعه پایدار کشور با بهره‌گیری از تکنیک سوات^۱، که با نظرسنجی از ۶۰ تن از استادان دانشگاه صورت گرفت نشان دادند که به‌منظور آموزش توسعه‌ای در کشور باید راهبردهای تهاجمی با زمانبندی مشخص توسط نهادهای محلی و مردمی و سپس مدیران دولتی مورد توجه قرار گیرد.

موسایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش توسعه و توسعه پایدار» عنوان می‌کند که آموزش، اثربخش‌ترین سازوکار جامعه برای مقابله با بزرگ‌ترین چالش قرن یعنی توسعه پایدار است؛ چراکه توسعه پایدار به انسان‌های با مهارت، آگاه، انعطاف‌پذیر و جامع‌نگر نیاز دارد. در این مقاله به دنبال ارائه تاریخچه‌ای از نظام آموزش و پرورش به نقش این نهاد در تحقق توسعه پرداخته می‌شود. در نهایت، نویسنده نقش آموزش‌های توسعه‌ای را در تحقق توسعه پایدار تربیت نیروی انسانی کارآمدی می‌داند که مهم‌ترین ابزار تحقق توسعه پایدار است. اصلی‌ترین پیشنهاد پژوهش نیز این است که نظام آموزشی کشور از دید توسعه پایدار مورد بازبینی قرار گیرد؛ چراکه اساس توسعه پایدار کشور از دالان آموزش توسعه‌ای می‌گذرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف بنیادی کاربردی و از حیث روش گردآوری اطلاعات توصیفی تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از روش اسنادی و بهره‌گیری از نتایج آخرین همایش‌ها و کنفرانس‌ها، مقالات، کتب داخلی و خارجی و سایت‌های اینترنتی معتبر استفاده شده است. در فرایند پژوهش سعی شده، با دیدی استقرایی، مطالب مورد نیاز جمع‌آوری و سپس با کنار هم قرار دادن و مرتبط ساختن آن‌ها به نتیجه‌گیری کلی دست یابیم. در ضمن مباحث پژوهش، خلاصه‌ای از مطالعات پیشین نیز آورده شده است که تا علاوه بر افزودن بر غنای پژوهش، روایی و صحت آن نیز اثبات گردد.

چارچوب مفهومی و نظری توسعه پایدار

مفهوم توسعه^۲ در برابر رشد^۳ قرار دارد. توسعه یک مفهوم کیفی است و می‌توان آن را به معنای افزایش کیفیت زندگی دانست که مسائلی مانند بهداشت، آموزش، رفاه، آزادی بیان و ... را دربرمی‌گیرد (دلیر، ۱۳۹۰، ۹۳). توسعه روندی چند بعدی دارد که جامعه طی آن استانداردهای زندگی خود را ارتقا می‌بخشد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد اقتصادی را عامل اصلی توسعه محسوب می‌کردند و بالا بردن تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه را هدف توسعه می‌دانستند. اما آثار منفی که این نگاه به توسعه برای کشورهای جهان سوم به بار آورد سبب شد که در دهه ۱۹۷۰ متفکران به‌ویژه اندیشمندان جهان سوم نظریات و رویکردهای جدیدی را در باب توسعه مطرح کنند مانند: توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه انسانی و در نهایت توسعه پایدار که به‌عنوان رویکرد غالب برنامه‌ریزی‌های توسعه در عصر حاضر مدنظر است (لنگرودی، ۱۳۸۶، ۶۵-۶۶).

اصطلاح توسعه پایدار^۴ بعد از انتشار گزارش آینده مشترک ما

مورد تأیید و تصویب سران کشورهای جهان قرار گرفت، یکی از پیش شرط‌های اصلی تحقق آن آموزش قرار داده شد و در اعلامیه آن به صراحت به نقش آموزش‌های رسمی و غیررسمی جهت نهادینه نمودن مفهوم توسعه پایدار در جامعه تأکید گردید. با توجه به اهمیت آموزش به‌منظور حرکت در مسیر توسعه پایدار، سازمان‌های بین‌المللی زیادی به فعالیت در این زمینه پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از سازمان یونسکو نام برد که سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ را به‌عنوان «دهه ملل متحد برای خدمت در آموزش توسعه پایدار» اعلام کرد تا در طی آن آماده کردن شهروندان برای رودررویی مستقیم با چالش‌های حال و آینده و تصمیم‌گیری‌های توأم با مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در جهت ساخت یک جهان زنده و پویا مورد توجه قرار گیرد. در این راستا بر پنج نوع یادگیری جهت نهادینه شدن مفهوم توسعه پایدار تأکید شده است: آموزش و یادگیری برای دانستن، اقدام کردن، بودن، موجودیت و هستی زمین برای زندگی مشترک و با هم و برای تغییر مثبت خود و جامعه (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۰). بی‌شک مدارس و دانش‌آموزان در محور این اقدامات و آموزش‌ها قرار می‌گیرند؛ چراکه تبلور آموزش و پرورش در زمینه تربیت نیروی انسانی توانمند است. همان‌طور هم که گفته شد نیروی انسانی با ظرفیت و توانمند عامل اصلی تحقق توسعه پایدار می‌باشد. اهمیت این امر به حدی است که یک عزم جهانی برای تحقق توسعه پایدار از طریق آموزش و پرورش شکل گرفته است. برای مثال، در سال ۱۳۹۳ یونسکو اجلاس را، به میزبانی کشور ژاپن و با حضور دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان از جمله دکتر فانی وزیر آموزش و پرورش ایران، برگزار کرد که در آن بر نقش آموزش و پرورش به‌عنوان پیشگام اصلی آموزش توسعه پایدار تأکید شده بود (نشریه نگاه، ۱۳۹۳). با عنایت به این موضوع در این تحقیق بر آن شدیم که به دنبال روشن نمودن مفهوم چندسازه‌ای توسعه پایدار؛ به تعریفی از آموزش توسعه‌ای و اهمیت آموزش و پرورش در تحقق توسعه پایدار بپردازیم.

سابقه پژوهش

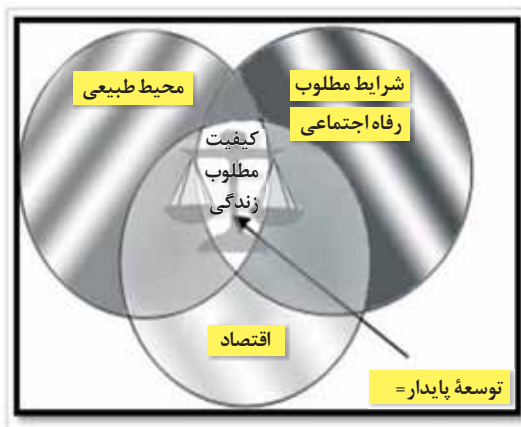
آراسته و امیری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «نقش دانشگاه‌ها در آموزش توسعه پایدار با رویکردی توصیفی - تحلیلی» بیان می‌کنند که تغییر مفاهیم توسعه در چند دهه اخیر و در نهایت برگزیده شدن صفت «پایدار» به‌عنوان صفت غالب برنامه‌های توسعه‌ای جامعه، تغییر در جهت‌گیری و برنامه‌ریزی مؤسسات آموزش عالی را ضروری می‌سازد؛ چراکه این مؤسسات نقش تأثیرگذاری در آگاهی و ارتقای قابلیت‌های جوامع دارند. تغییر شیوه‌های تدریس و ارتباط متقابل آموزش‌های رسمی و غیررسمی نیز مهم‌ترین پیشنهاد این پژوهش تحقق‌پذیری از طریق آموزش است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای

جدول ۱: سیر تحول پارادیم‌های توسعه روستایی

پارادایم	دوره زمانی	راهبرد در دستور کار و اقدام
رشد	۱۹۶۰-۱۹۹۵	- راهبردهای توسعه بخشی بدون توجه به پیوند با سایر بخش‌ها در رهیافت چندبخشی
رشد توأم با توزیع	۱۹۷۰-۱۹۶۰	- مدرن‌سازی انباشت سرمایه، اصلاحات ارضی، راهبردهای توسعه چندبخشی
تأمین نیازهای اساسی	۱۹۷۰-۱۹۸۰	- جهت‌گیری نیازهای اساسی، فن‌آوری مناسب، جهت‌گیری فقر - جهت‌گیری گروه‌های هدف - جهت‌گیری اکولوژیکی
توسعه پایدار	۱۹۸۰ به بعد	- مشارکت - جهت‌گیری‌های خود تعیین‌کنندگی و خودیار - جهت‌گیری جنبشی، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، هماهنگی و یکپارچگی نظام اکولوژیکی یا نظام‌های اقتصادی-اجتماعی

منبع: گزارش مؤسسه توسعه روستایی ایران، (۱۳۸۳)

توسعه پایدار متشکل از ارتباطات پیچیده و هم‌پوشانی سه بعد اصلی ساختارهای اقتصادی، بسترهای محیطی و رفاه اجتماعی است. در واقع تعادل بین این سه بعد تضمین‌کننده کیفیت مطلوب زندگی و در نتیجه تحقق توسعه پایدار است. بنابراین مهم‌ترین جاذبه توسعه پایدار جامع‌نگری است و معمای توسعه پایدار نمی‌تواند از طریق تمرکز بر اجزا حل شود.



شکل ۱: ابعاد توسعه پایدار منبع: (Manitoba, 2000, 6)

پایداری و تداوم اجتماع در زمینه زندگی اجتماعی، رفع تبعیض و بی‌عدالتی، بهبود شرایط اقتصادی همراه با ثبات منابع طبیعی بدون آسیب رساندن به منابع و زیرساخت‌ها توسعه پایدار نامیده می‌شود

اهداف توسعه پایدار

۱. احیای رشد: از آنجا که فقر باعث فشار بر محیط می‌شود و استفاده غیرعقلانه از منابع طبیعی و نیز افزایش بیش از حد جمعیت را به دنبال خواهد داشت، لازم است رشد اقتصادی افزایش یابد تا فقر و نابرابری از میان برداشته شود. این رشد باید با مصرف کمتر انرژی و منابع همراه باشد.

۲. تغییر کیفیت رشد: تغییر کیفیت به معنای تغییر رویکرد به توسعه و توجه به تمام آثار حاصل از آن است. برای مثال، کشاورزی در مقیاس بزرگ ممکن است بازدهی زمین را افزایش دهد، اما در عین حال باعث بیکاری کشاورزان خرده‌پا شود و به توزیع نامتعادل درآمد و ایجاد فقر بینجامد، علاوه بر اینکه در تخریب محیط هم مؤثر است. رشد باید به گونه‌ای باشد که متغیرهای غیراقتصادی، مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، آب و هوای سالم و مراقبت از زیبایی‌های طبیعی را نیز دربرگیرد.

۳. تأمین نیازهای اساسی انسان‌ها: پاسخگویی به نیازهای اساسی و روزافزون جمعیت، شامل اشتغال، مواد غذایی، انرژی، مسکن، آب و بهداشت، یکی از اهداف مهم دستیابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌آید.

۴. حفظ سطح پایداری از جمعیت: میزان جمعیت لازم است با ظرفیت تولیدی اکوسیستم متناسب باشد. انتظار می‌رود صنعتی

گزارش براتلند) توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۵ در ۱۹۸۷ متداول گردید (Manitoba, 2002, 2). با پذیرش این گزارش در مجمع عمومی سازمان ملل، در کنفرانس بعدی بین‌المللی توسعه و محیط زیست (۱۹۹۲) که در ریو دوژانیرو برگزار شد، شاخص‌های مختلفی به منظور توسعه پایدار در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی بنا نهاده شد. (WTO, 2002). کمیسیون جهانی محیط زیست در گزارش براتلند توسعه پایدار را این‌گونه تعریف می‌کند: توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را برآورده نماید، بدون اینکه توانایی نسل آینده را در تأمین نیازهایش محدود سازد (Joshi, 2007, 8) به عبارت دیگر پایداری و تداوم اجتماع در زمینه زندگی اجتماعی، رفع تبعیض و بی‌عدالتی بهبود شرایط اقتصادی همراه با ثبات منابع طبیعی بدون آسیب رساندن به منابع و زیرساخت‌ها توسعه پایدار نامیده می‌شود (Westholm, 2009, 1). پایداری^۶ به معنی تداوم، همیشگی (Heinberg, 2010, 1) به‌عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن (کیفیت) و امکانات موجود (کمیت) در طول زمان کاهش نمی‌یابد و برگرفته از کلمه sustener (sus: یعنی از پایین و tenere به معنی نگهداشتن) است که بر حمایت و دوام بلند مدت تأکید دارد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴، ۴۷). البته پایداری به معنی ایستایی نیست، بلکه یک مفهوم پویا است، زیرا جامعه و محیط، فرهنگ و تکنولوژی متغیرند (Bossel, 2001, 4) بنابراین آینده‌نگری و قدرت ابتکار و تطابق از اصول مهم پایداری محسوب می‌شوند. توسعه پایدار، با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود کیفیت زندگی، قالب مناسبی برای نگرش به نحوه بهره‌برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان و طبیعت محسوب می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۵، ۲۱۶). به سخن دیگر «توسعه پایدار به‌ویژه بُعد انسانی آن، توسعه‌ای است که نه تنها رشد اقتصادی ایجاد می‌کند بلکه منافع آن را نیز عادلانه توزیع می‌کند، به‌جای تخریب محیط زیست آن را بازسازی می‌کند و به‌جای در حاشیه قرار دادن مردم به آن‌ها قدرت می‌دهد» (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۲، ۳).

بدون تردید یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه آموزش و پرورش است. حتی برخی عقیده دارند که تکامل این بخش است که موجب تکامل سایر بخش‌ها می‌گردد

تولید، کار و سرمایه به بهبود کیفیت نیروی کار، پیشرفت تکنولوژی، صرفه‌جویی، تخصیص مطلوب‌تر منابع و نهایتاً به آموزش و پرورش بستگی دارد. بی‌شک اجرای برنامه‌های توسعه نیازمند به‌کارگیری نیروی آموزش‌دیده و افراد متخصص و تحصیل‌کرده است و نقش آموزش و پرورش در این میان، کشف این استعدادها و بارور نمودن آنهاست. آموزش و پرورش ضمن بهره‌گیری مناسب از هوش و استعداد افراد، زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم می‌آورد و البته روشن است که آموزش نیروهای متخصص ورزیده، نیاز به کادر آموزشی مجرب و معلمان کارآمد دارد؛ لذا نظام آموزش می‌تواند با جذب اساتید و معلمان لایق و باکفایت به امر آموزش نیروی انسانی مورد نیاز برنامه توسعه بپردازد. جهان امروز دریافته است که آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد. سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های جوامع محسوب می‌شود و تنها از طریق آموزش حاصل می‌آید. (حسن‌پور، ۱۳۹۱) آگوست کنت پدر علم جامعه‌شناسی می‌گوید: پیشرفت و ترقی بشر به تربیت و آموزش صحیح بستگی تام و کمال دارد. آدام اسمیت اقتصاددان معروف کلاسیک نیز معتقد است که آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه‌گذاری در آنهاست. با آموزش، افراد توانا تر خواهند شد و رشد قابلیت‌های آنها سبب می‌گردد که نه تنها خودشان بلکه جامعه نیز از آنها منتفع گردد. بنابراین به عقیده وی انسان از طریق آموزش به سرمایه مبدل می‌شود و جامعه می‌تواند از توان تولید آن به‌خوبی بهره‌گیرد (عادلی، ۱۳۸۷). آنچه مسلم است توفیق در توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون موفقیت در توسعه فکری و دانش و مهارت نیروی انسانی از یک سو و توسعه فرهنگ، اخلاقیات و ارزش‌ها از سوی دیگر غیرممکن است، و این هر دو مستلزم برخورداری افراد از آموزش و پرورش با کیفیت می‌باشد.

بی‌شک توسعه جامعه در گرو فضای مناسبی است که از فرهنگ جامعه متأثر شده و شکل می‌گیرد و آموزش و پرورش چون گهواره‌ای است که فرهنگ جامعه در بستر آن از نسلی به نسل دیگر انتقال و پرورش یافته، اشاعه پیدا می‌کند و در عین حال فرهنگ خاص خودش را پدید می‌آورد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ۳).

اهمیت و نقش آموزش و پرورش در تحقق توسعه موجب شده است که امروزه از آموزش توسعه‌ای به‌عنوان سبک جدید آموزش در آموزش و پرورش برای نیل به پارادایم جدید و مسلط توسعه پایدار نام برده شود. آموزش توسعه‌ای در آموزش و پرورش روند تقویت و آشنایی دانش‌آموزان با دانش و فهم، مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز برای کار و زندگی یعنی تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر حفاظت از محیط زیست است که در واقع پوشش‌دهنده ابعاد اصلی توسعه پایدار یعنی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. آموزش توسعه‌ای به معنی کار با دانش‌آموزان است برای:

- تفهیم مفهوم شهروند جهانی
- نظم و انضباط و در زندگی حرفه‌ای و شخصی
- احترام به محیط زیست
- تفکر در مورد مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، اخلاق و سلامت

شدن، افزایش درآمد سرانه، بهبود محیط زیست و رفاه اجتماعی منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه شود.

۵. حفظ و افزایش منابع پایه: این امر نه تنها در راستای پاسخگویی به اهداف توسعه، بلکه به‌خاطر تعهد اخلاقی به سایر اشکال حیات و نیز نسل‌های آتی ضرورت دارد. در غیر این صورت فشار بر منابع افزایش می‌یابد. لازم است سیاست‌های توسعه‌ای در راستای گسترش گزینه‌های کسب معاش پایدار، به‌ویژه برای خانوارهای فقیر و نواحی تحت فشارهای اکولوژیکی، اعمال شود.

۶. جهت‌گیری فناوری و مدیریت خطر: اهتمام به اهداف پیش‌گفته نیازمند تغییر جهت فناوری است که خود به منزله حلقه اتصال حیاتی بین انسان و طبیعت به‌شمار می‌آید. برای دستیابی به این هدف باید از دو مرحله عبور کرد؛ نخست لازم است ظرفیت نوآوری فناورانه در کشورهای در حال توسعه به میزان قابل توجهی افزایش



یابد تا این کشورها بتوانند به صورتی مؤثرتر پاسخگوی چالش‌های توسعه پایدار باشند؛ و دوم اینکه، در تغییر جهت فناوری توجه بیشتری به عوامل محیط زیستی معطوف شود.

۷. ادغام محیط زیست و اقتصاد در تصمیم‌سازی: این هدف موضوع محوری در اهداف پیش‌گفته به‌شمار می‌رود. توسعه پایدار در صورتی تحقق خواهد یافت که نهادهای منعطف، ارتباط هر بخش با بخش‌های دیگر و نیز با کل نظام اقتصادی را مورد توجه قرار دهند (تقی‌زاده؛ ۱۳۸۷، صص ۲۸۵-۲۸۴). شکل ۲ حلقه‌های مدل رایج توسعه پایدار را نشان می‌دهد.

آموزش و پرورش و تحقق توسعه پایدار
بدون تردید یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه آموزش و پرورش است. حتی برخی عقیده دارند که تکامل این بخش است که موجب تکامل سایر بخش‌ها می‌گردد. رشد و توسعه اقتصادی علاوه بر عوامل

و چگونگی ارتباط این مفاهیم با عرصه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی
 - ایجاد چشم‌اندازی مطلوب از آینده
 - تقویت روحیه پژوهشی
 - توانایی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی
 - افزایش خلاقیت و نوآوری
 - تفکر در مورد پیامدهای اقدامات و تأثیرات آن‌ها (دانش‌آموزان)
 بر عملکرد سیستم‌های محیطی و اجتماعی.

در این راستا در کشور اوکراین استراتژی‌هایی برای تحقق توسعه پایدار تدوین شده است که هدف از آن جاری شدن مستمر نوآوری و در نتیجه مولد بودن اقتصاد است با حفظ عدالت اجتماعی و پاسداری از طبیعت جهت رفاه جمعی. در این برنامه بر رویکرد جدید آموزشی در آموزش و پرورش یعنی آموزش توسعه‌ای بسیار تأکید شده است. در این طرح آموزش توسعه‌ای بدین معناست که بتوان دانش‌آموزان را به تفکر و تدبیر در وضعیت حال و آینده‌شان وا داشت. ایجاد و تقویت تفکر انتقادی، جامع‌نگری دانش‌آموزان، تطبیق دادن آنان با شرایط پیچیده کنونی و آماده کردن آن‌ها برای وضعیت‌های غیرمنتظره در آینده نیز دیگر اصول آموزش توسعه‌ای طرح تحقق توسعه پایدار اوکراین است (Longhurst, 2014,14).
 معلمان در رویکرد آموزش توسعه‌ای نقش مهمی برعهده دارند؛ در وهله اول باید به دانش‌آموزان ارزش‌هایی را یاد دهند و شرایطی را مهیا کنند که ذهن‌های آنان پرورش یابد و این امر زمینه‌ساز انتخاب‌های آزادانه و هدفمند دانش‌آموزان بر مبنای اصل پایداری گردد (Haubrich, 2010,36). آموزش برای توسعه پایدار تا حد زیادی برابر با آموزش و پرورش باکیفیت است؛ چرا که تنها با بهبود کیفیت شیوه‌های آموزشی، حرکت از نظام سنتی خطی و تک‌بعدی به نظام چند بعدی و سیستمی (Brussels, 2008,21) و تغییر و تحول در برنامه‌های درسی در انطباق با اصول توسعه پایدار است که حصول توسعه پایدار ممکن می‌شود. همان‌گونه که در شکل ۳ نشان داده شده است حرکت به سوی بالا بردن کیفیت در آموزش یعنی آموزش باکیفیت، تأثیرگذاری مستقیمی بر آموزش توسعه پایدار دارد که نتیجه این امر نیز تحقق اهداف توسعه پایدار خواهد بود. آموزش باکیفیت در مدارس دارای چند پیش شرط زیر است:

- آماده بودن ذهن و روان یادگیرنده؛
- صلاحیت معلم؛

- وجود امکان تعامل با سایر افراد و گروه‌ها؛
 - پویایی محیط یادگیری و محیط‌های آموزشی؛
 - مطلوب بودن محتوای مواد آموزشی و نوع فرآیندهای یاددهی-یادگیری؛

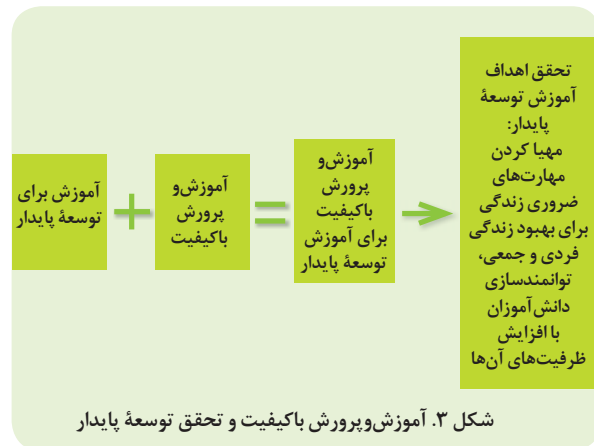
- ارزیابی مداوم چگونگی آموزش و یادگیری.
 آموزش باکیفیت وسیله‌ای است برای انتقال مجموعه مهارت‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های مناسب به یادگیرنده. همچنین با انتقال آگاهی‌ها دانش‌آموزان را به کسب ظرفیت مورد نیاز جهت دست زدن به انتخاب‌های مطلوب در زندگی روزمره در راستای پایداری و همکاری با مردم در گفتمانی جمعی، جهت تغییر بینش‌ها و سبک زندگی، مجهز می‌کند (IGES, 2004,3-5)
 یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش توسعه‌ای در مدارس، ظرفیت‌سازی

آنچه مسلم است توفیق در توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون موفقیت در توسعه فکری و دانش و مهارت نیروی انسانی از یک سو و توسعه فرهنگ، اخلاقیات و ارزش‌ها از سوی دیگر غیرممکن است، و این هر دو مستلزم برخورداری افراد از آموزش و پرورش باکیفیت می‌باشد

است تا از این طریق بتوان جامعه را در مسیر توسعه ظرفیتی به حرکت درآورد. واژه‌های ظرفیت‌سازی و توسعه ظرفیتی واژه‌هایی بسیار پیچیده و متنوع از لحاظ مفهوم هستند. ظرفیت یعنی توانایی انجام کارها به صورت مؤثر، کارآمد و پایدار (Young, 2006,3). ظرفیت در واقع راه و روش‌ها و ابزار مورد نیاز است برای انجام آنچه که باید به صورت مطلوب انجام شود (UNEP, 2001,3). ظرفیت نه تنها به مهارت و توانایی‌های علمی، فناوری و اقتصادی اشاره دارد بلکه روابط، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز شامل می‌شود (Matachi, 2006,4). ظرفیت‌های جامعه تعیین‌کننده موفقیت و تضمین‌کننده مشارکت گسترده ذی‌نفعان در جریان اجرای طرح‌های توسعه‌ای است (UNEP, 2011,3). به همین دلیل ظرفیت‌سازی به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در انجام برنامه‌های توسعه‌ای سازمان ملل متحد قرار دارد (UNEP, 2002,10) ظرفیت‌سازی و تقویت ظرفیت‌های جامعه موجب توانمندسازی افراد، سازمان‌ها و گروه‌ها در اجرا و انجام برنامه‌ها می‌گردد (DTLE, 2006,2) بنابراین ظرفیت‌های جوامع کاتالیزوری است که تسریع‌کننده و تسهیل‌کننده تغییر و تحولات و تحقق اهداف می‌باشد (DTIE, 2006,2). به همین دلیل است که امروزه نظریه‌پردازان امر توسعه پایدار بر ظرفیت‌سازی و تقویت ظرفیت‌های محلی تأکید دارند و بهترین راهکار را در این زمینه آموزش از طریق نهادهای تأثیرگذار از جمله آموزش و پرورش می‌دانند.

یونسکو به‌عنوان نهادی بین‌المللی که مسئول اصلی سیاست‌گذاری در زمینه آموزش‌های توسعه‌ای است؛ اصول اصلی آموزش توسعه‌ای را در آموزش و پرورش این اصل‌ها می‌داند:

- تکیه بر اصول و ارزش‌هایی که زیرساخت توسعه پایدار هستند؛
- استفاده از روش‌های متنوع تدریس تا یادگیری مشارکتی و مهارت‌های سطح بالای تفکر حاصل شود؛



شکل ۳. آموزش و پرورش باکیفیت و تحقق توسعه پایدار

- ترویج یادگیری مادام‌العمر؛

- تناسب با شرایط بومی و فرهنگی؛

- تصمیم‌گیری مشارکتی، تعادل اجتماعی، نظارت محیطی، انعطاف‌پذیری، کیفیت خوب زندگی و شایستگی مدنی.

البته باید توجه داشت که با توجه به ماهیت چندبعدی و پیچیده توسعه پایدار، آموزش آن نیز نیازمند روش‌های جدید تدریس و یادگیری از جمله: بحث آزاد، بازی نقش‌ها، یادگیری مسئله‌محور، یادگیری مشارکتی و فعالانه، شبیه‌سازی و بهره‌گیری مطلوب از نمودهای فاوا در جریان یادگیری است (آراسته و امیری، ۱۳۹۱، ۳۶).

در نهایت نیز می‌توان گفت: از آنجا که یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار نهادینه کردن مفهوم توسعه در درون و در بین نسل‌های جامعه است، تنها سرمایه‌گذاری در آموزش توسعه‌ای در مدارس و تولید انسان‌هایی با شاخصه‌های عملگرا، مهارت‌گرا، تغییرپذیر،

نتیجه‌گیری

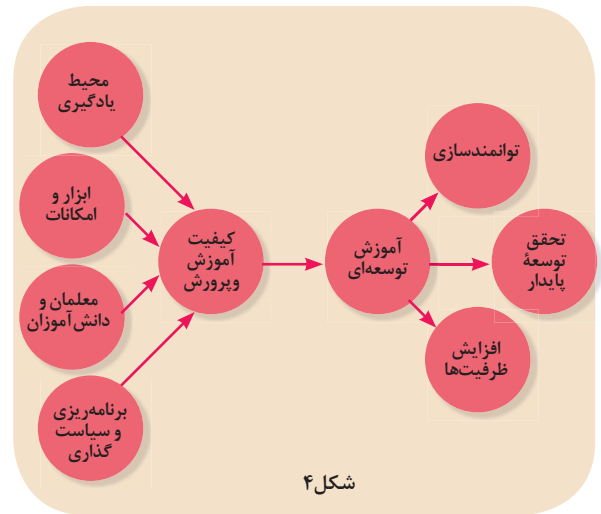
از زمانی که پایداری به‌عنوان وجه غالب توسعه مطرح شد و توسعه پایدار نهایت آمال و آرزوی برنامه‌های توسعه ملتها قرار گرفت؛ چگونگی دستیابی به آن و حرکت در مسیر پیچیده و دشوار پایداری نیز به‌عنوان چالشی بزرگ و علامت‌سؤالی اساسی پیش روی برنامه‌ریزان و نظریه‌پردازان توسعه ظاهر شد. در این بین آموزش به‌عنوان راه‌حل این چالش و کلیدی که بازکننده قفل‌های پیش روی پایداری جامعه بود معرفی شد، زیرا توسعه پایدار و همه‌جانبه از بستر نیروی انسانی می‌گذرد و انسان هدف و وسیله تحقق پایداری است، بنابراین نیاز است این نیروی انسانی به سرمایه‌ای مبدل شود که با مهارت، با دانش و آگاهی، با انعطاف، با مسئولیت‌پذیری و در نهایت با مشارکت و با ظرفیت در مسیر پایداری گام بردارد؛ و تنها آموزش است که می‌تواند چنین ویژگی‌هایی را در نیروی انسانی جامعه شکل دهد. تأثیر آموزش در تحقق توسعه پایدار موجب شده که یونسکو تلاش‌های زیادی در این زمینه انجام داده و در پی گسترش آموزش توسعه‌ای باشد؛ یعنی آموزشی که نیروی انسانی جوامع را با خصوصیات ذکر شده تربیت کرده و آن‌ها را تطبیق دهد. این نهاد پس از نامگذاری دهه ۲۰۱۴-۲۰۰۴ به‌عنوان دهه آموزش توسعه‌ای اکنون تمرکز اصلی برنامه‌های خود را بر روی آموزش و پرورش کشورها به‌عنوان نهادهای اصلی و مؤثر آموزش توسعه‌ای متمرکز کرده است. به واقع آموزش و پرورش، به‌عنوان نهادی که سازنده اصلی نیروی انسانی جامعه است، می‌تواند با تطبیق اصول توسعه پایدار در برنامه‌های درسی و آموزشی خود گامی مؤثر را در تربیت آینده‌سازان جامعه بردارد و انسان‌هایی را تربیت کند بینش و افق دید آن‌ها دستیابی به توسعه پایدار باشد. اهمیت این امر به حدی است که اکنون عزمی جهانی برای آموزش پایداری از طریق آموزش و پرورش شکل گرفته و کشورهای مختلف با بهره‌گیری از آموزش و پرورش سعی در پیشی گرفتن از یکدیگر در مارا تن توسعه و حرکت در مسیر پایداری دارند. در آخر باید گفت که اساس توسعه پایدار کشورها از کانال آموزش می‌گذرد، بنابراین اگر به عملکرد نظام آموزشی با این دید نگرسته نشود، خروجی‌های این نظام به‌عنوان عواملی ضد توسعه عمل خواهد کرد. ما نیز اگر بخواهیم در کشورمان با آموزش و پرورش مطلوب در مسیر دستیابی به توسعه پایدار گام برداریم لازم است عمل به راهکارهای زیر را وجهه همت خود قرار دهیم:

- تجدیدنظر در برنامه‌های درسی و سیاست‌های آموزشی و کتب درسی و وارد کردن مفهوم توسعه پایدار و اصول آن در برنامه کتاب‌ها. در این ارتباط با توجه به چند بعدی و بین‌رشته‌ای بودن توسعه پایدار می‌بایست این بازنگری در تمامی حوزه‌ها و مقاطع تحصیلی انجام گیرد.

- برگزاری دوره‌های ضمن خدمت آشنایی با توسعه پایدار، به منظور توانمندسازی معلمان به‌عنوان پیشگامان عرصه تعلیم و تربیت کشور.

- انتشار بروشورها، نشریه‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی و توزیع آن‌ها در سطح مدارس به‌گونه‌ای که محتوای آن‌ها علاوه بر آموزش اصول توسعه پایدار، مقایسه کشور با کشورهای باشد که در مسیر پایداری حرکت می‌کنند.

- انعقاد قراردادهای و تفاهم‌نامه‌هایی بین آموزش و پرورش با صدا و سیما جهت تولید برنامه‌هایی متناسب سنین مختلف با محتوای



سیستمی و جامع‌نگر و انعطاف‌پذیر قادر خواهد بود فرایند توسعه پایدار را تحقق بخشد. همچنین آموزش‌های توسعه‌ای در مدارس سبب می‌شود که آینده‌سازان در برابر تغییرات آتی نه تنها مقاومت نکنند بلکه با داشتن انعطاف‌پذیری لازم، از آن استقبال نیز بنمایند که این پدیده خود از شاخصه‌های مهم جهت دستیابی به توسعه پایدار است (موسایی، ۱۳۸۸، ۲۱). بر طبق مطالب آورده شده و نتایج تحقیقات پیشین می‌توان مدل مفهومی پژوهش را به‌صورت شکل ترسیم کرد. همان‌گونه که مدل نشان می‌دهد آموزش‌های توسعه‌ای به‌صورت مستقیم موجب دستیابی به توسعه پایدار می‌شوند. همچنین از دو طریق عمده یعنی ظرفیت‌سازی و افزایش توانمندی دانش‌آموزان سیر حرکت در مسیر پایداری سرعت می‌گیرد. البته باید توجه داشت که کیفیت آموزش و پرورش که دربرگیرنده شرایط محیط یادگیری، ابزار و امکانات در دسترس، کارآمدی معلمان و دانش‌آموزان و وجود برنامه‌ها و سیاست‌گذاری مطلوب می‌باشد نیز بر چگونگی آموزش‌های توسعه تأثیرگذار است و می‌تواند سرعت نیل به توسعه پایدار را کند کند یا آن را سرعت بخشد.

آموزش توسعه پایدار.

- تشکیل کارگروهی در وزارت آموزش و پرورش جهت ارتباط بیشتر با یونسکو و هماهنگی و نظارت بر برنامه‌های آموزش توسعه‌ای در کشور؛

- تغییر شیوه‌های تدریس رایج و حرکت به سمت روش تدریس‌های نوین، همچون همیاری، بازی نقش‌ها، بحث گروهی و... که چندبعدی است و مشارکت، کنکاش و تفکر بیشتری را از دانش‌آموزان طلب می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Swot
2. Development
3. Growth
4. Sustainable Development
5. World Commission on Environment and Development
6. sustainability

منابع

۱. آراسته، حمیدرضا و امیری، الهام، (۱۳۹۱)، نقش دانشگاه‌های در آموزش توسعه پایدار، نشریه نشاء علم، سال دوم، شماره دوم، صص: ۸-۲.
۲. ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۷)، توسعه پایدار روستایی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۳. افتخاری، رکن‌الدین و همکاران، (۱۳۸۹)، راهبردهای آموزش توسعه پایدار در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۵، صص: ۲۰-۱.
۴. اسماعیل زاده، خالد (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی بر توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون آن‌ها نمونه مورد مطالعه: دهستان نور، شهرستان بانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان
۵. تقی‌زاده، فاطمه؛ (۱۳۸۷)، توسعه پایدار، دانش‌نامه مدیریت شهری و روستایی، تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۶. جمعه‌پور، محمود، (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت، چاپ ششم.
۷. حسن‌پور، هوشنگ، (۱۳۹۱)، توسعه آموزش همه‌جانبه مبنای توسعه سواحل مکران و نقش آن در اقتدار جمهوری اسلامی ایران، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه دیانوردی و علوم دریایی چابهار.
۸. حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران، انتشارات سمت.
۹. رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی ایران، تهران نشر قومس.
۱۰. زاهدی، شمس‌السادات و نجفی، غلامعلی. (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص: ۷۶-۴۴
۱۱. لنگرودی، حسن مطیعی. (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی روستایی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.
۱۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۷۹)، گفتاری پیرامون نقش آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه، برگرفته شده از سایت: rc.majlis.ir

۱۳. موسایی، میثم، (۱۳۸۸)، آموزش توسعه‌ای و توسعه پایدار در ایران، نشریه راهبرد، شماره ۱۸، صص: ۲۱۹-۲۰۸

۱۴. مؤسسه توسعه روستایی ایران، (۱۳۸۳)، طرح چشم‌انداز و آینده توسعه روستایی، فصل ششم، گزینه‌های توسعه روستایی.

۱۵. عادل‌لی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، نقش آموزش و پرورش در رشد و توسعه اقتصادی، برگرفته شده از سایت: www.jobportal.ir

16. Bossel, Hartmut, 2001, Indicators for Sustainable Development: Theory, Method, Applications, A Report to the Balaton Group, international institute for sustainable development (IISD)

17. Brussels, A., 2008, Competencies for ESD (Education for Sustainable Development) teachers, A framework to integrate ESD in the curriculum of teacher training institutes, at: www.csct-project.org

18. CDSF, (2009), the au/nepad capacity development strategic framework, seeing african people as the true resource, nepad secretariat, au-nepad capacity development

19. dtie, (2006), ways to increase the effectiveness of capacity building for sustainable development, discussion paper presented at the concurrent session 18.1 the marrakech action plan and follow-up, 2006 iaia annual conference, stavanger, Norway

20. Haubrich, Hartwig, (2010), Geographical Views on Education for Sustainable Development International Geographical Union Commission on Geographical Education.

21. Heinberg, Richard, 2010, What Is Sustainability?, Post Carbon Institute, http://www.postcarbonreader.com

22. IGES (Institute for Global Environmental Strategies), 2014, Quality Education for Sustainable Development A priority in achieving sustainability and well-being for all, at: pub.iges.or

23. Joshi, Madhavi and Shailaja, Ravindranath 2007, Sustainable Development: An Introduction, Internship Series, (CEE) (SDC) (SAYEN), Volume-I

24. Longhurst, James, (2014), Education for sustainable development: Guidance for UK higher education providers, Chair, QAA/HEA Education for sustainable development group

25. Manitoba Education and Training, 2000, education for a sustainable future a resource Curriculum developers, Teachers, and administrators. visit website at www.ed.gov

26. UNEP, (2002), capacity building for sustainable development: an overview of unep environmental capacity development initiatives, department for social development

27. UNEP, (2011), community capacity building voluntary and community sector, margaretritchie, department for social development

28. Westholm, Erik, 2009, indicators for sustainable development of rural municipalities - Case studies: Gagnef and Vansbro : (Dalarna, Sweden), university Oldenburg

29. WTO, 2002, Drafting Group on Tourism and Sustainable Development, un csd,

30. Young, J., (2006), capacity development for policy advocacy: current thinking and approaches among agencies (, supporting civil society organizations